



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Explain the educational viewpoints of Professor Shokouhi on the education of educated Man

Ali. Sohbatlo^{*,1}

¹ *Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Keywords:

educational
Professor Shokouhi
educated Man

¹. Corresponding author
Alisohbatlo@cfu.ac.ir

Background and Objectives: The aim of the current study is to explain the educational viewpoints of Professor Shokouhi on the education of educated people. **Methods:** To this end, analytical and inferential methods were used to answer the research questions. In this research, reference is made to the works of Professor Shokouhi, which are related to the topics of anthropology and education, and which depict human beings in these works. **Findings:** From his point of view, the education of an educated person requires the basics of education and training. He focuses on natural education, social education and human education in order to educate an educated person. According to Professor Shokouhi, the stages of educating a cultured person start from the nursing stage, then to the discipline stage, and then it turns to teaching him. For each of these stages, he elaborates specific characteristics and coordinates that should be taken into consideration in the education of an educated person. The findings showed that the ultimate goal of education, in his point of view, is to provide the foundations for the movement and guidance of a person in the direct path of worshipping God. **Conclusion:** The goal of education is to educate a cultured person who is a believer, pious, and responsible in relation to the Creator, useful and committed in relation to the society, and thoughtful, creative and productive in relation to the natural world

ISSN (Online): 2980-7948

DOI: <https://doi.org/10.48310/jcdr.2024.16256.1102>

Received: 2024-05-08 Reviewed: 2024-06-18 Accepted: 2024-07-21 pp: 101-118

Citation (APA): Sohbatlo A. (2024). Explain the educational viewpoints of Professor Shokouhi on the education of educated Man. *Journal of research in curriculum studies*, 3(2), 101-118.

 <https://doi.org/10.48310/jcdr.2024.16256.1102>



تبیین و بررسی دیدگاه تربیتی استاد شکوهی در باب تربیت انسان فرهیخته

مقاله پژوهشی

علی صحبت لو

۱. استاد یار گروه آموزش علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، نویسنده مسئول

چکیده

پیشینه و اهداف: هدف پژوهش حاضر، تبیین و بررسی دیدگاه تربیتی استاد شکوهی در باب تربیت انسان فرهیخته است. **روش‌ها** در این پژوهش از برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های تحقیق از روش تحلیلی و استنتاجی استفاده شده است. در این پژوهش به تعدادی از آثار استاد شکوهی نظیر؛ «مبانی و اصول آموزش و پرورش»، «تعلیم و تربیت و مراحل آن»، «اندیشه‌هایی درباره آموزش و پرورش»، «تعلیم و تربیت ترجمه» و «مربیان بزرگ» که با مباحث انسان‌شناسی و تعلیم و تربیت مرتبط بوده و در این آثار کمال انسانی را به تصویر کشیده، مراجعه شده است. **یافته‌ها:** از نظر شکوهی تربیت انسان فرهیخته مستلزم مبانی تعلیم و تربیت (علمی و فلسفی) است. انسان فرهیخته استاد شکوهی در چارچوب یا زمینه‌ای که در آن نظام فکری و فلسفی وی شکل گرفت، معنا می‌یابد. از نظر استاد شکوهی مراحل تربیت انسان فرهیخته به ترتیب از مرحله پرستاری شروع سپس به مرحله تأدیب و آنگاه نوبت به تعلیم فرا می‌رسد. او برای هر یک از این مراحل ویژگی‌ها و مختصات خاصی را در نظر می‌گیرد که در تربیت انسان فرهیخته باید مورد توجه قرار گیرد. **نتیجه‌گیری:** هدف غائی تربیت از دیدگاه شکوهی این است که مقدمات حرکت و هدایت آدمی را در صراط مستقیم پرستش پروردگار فراهم آورد و در این راستا هدف آموزش و پرورش، تربیت انسان فرهیخته‌ای مؤمن، متقی، مسئول در رابطه با خالق، مفید و متعهد در رابطه با جامعه و متفکر و خلاق و مولد در رابطه با عالم طبیعت است.

DOI:

10.48310/jcdr.2024.16256.1102

واژه‌های کلیدی:

تربیت

استاد شکوهی

انسان فرهیخته

۱. نویسنده مسئول

Alisohbatlo.@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳-۰۲-۱۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳-۰۳-۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳-۰۴-۳۱ شماره صفحات: ۱۱۸-۱۰۱

COPYRIGHTS



©2024 This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

مقدمه

پرسش درباره معنای «انسان مطلوب» پرسشی است که در ادوار تاریخی گوناگون و تاکنون توسط فلاسفه مورد توجه قرار گرفته است. هرچند که از رواج اصطلاح «انسان فرهیخته»^۱ دیر زمانی نمی‌گذرد (از قرن نوزدهم به بعد این اصطلاح توسط فلاسفه و اندیشمندان تعلیم و تربیت به کار گرفته شده است)، فیلسوفان آموزش و پرورش همواره بر آن بوده‌اند که تصویری از انسان تربیت‌شده را ترسیم کنند. این کوشش گاه به طور مستقیم و گاه از طریق بیان انتظارات خود از محصول تعلیم و تربیت نشان داده شده است. در هریک از فرهنگ‌ها، مکاتب فلسفی و مذاهب، ردپایی از انسان مطلوب را می‌یابیم. هر ملت آرزوهای خود را در قالب تصویری که از انسان فرهیخته دارد، عرضه می‌دارد (آذربایجانی، ۱۳۷۵، ص ۶). انسان فرهیخته، آرمانی است که هر جامعه‌ای سودای پرورش او را در سر می‌پروراند (نامی، ۱۳۸۴). انسان فرهیخته براساس آموزه‌های قرآنی و در سایه تعلیم و تربیت اسلامی همان انسانی است، که با حرکت بر محور انسانیت و اصول فطرت، تکامل مییابد و با یاری جستن از سه منبع عقل، وحی و تجربه، راه تعمیق و گسترش اصول انسانی را، در عرصه‌های حیات خود باز می‌کند (علی بخشی، ۱۴۰۰). آموزش پرورش امروزه از ابزارهای مهم پرورش فرهیختگی در جامعه است. در واقع می‌توان آن را سیستمی متشکل از سازمان‌ها و فعالیت‌هایی دانست که در رشد و پرورش افراد فرهیخته سهم بسزایی ایفا می‌کند و می‌تواند نوید بخش آینده‌ای درخشان برای جوامع باشد (نجاتی موسوی و دیگران، ۱۳۹۴). به همین دلیل بررسی ویژگی‌های انسان مطلوب و ارائه الگویی برای آن، یکی از اساسی‌ترین گام‌های طراحی برنامه تربیتی کارآمد است، چراکه غایت اصلی آموزش و پرورش تربیت انسان مطلوب است (رهنما، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹). اساساً نداشتن تصویری از انسان تربیت شده باعث از هم پاشیدگی و پیریشانی کل نظام آموزشی از ابتدایی تا دانشگاه می‌شود (زیباکلام، ۱۳۷۹، ص ۱۶۱).

انسان تربیت شده باید نشانه‌های بارزی از وابستگی به تمدن اسلامی- ایرانی را نیز به همراه داشته باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ص ۲۳). لذا انسان مطلوب به عنوان محصول و دستاورد آموزش و پرورش بوده و یک هدف‌گذاری محسوب می‌شود و همه تلاش‌ها برای رسیدن به آن است و نشان دهنده کارآمدی و اثربخشی یک نظام آموزشی است. چنین انسانی به عنوان محصول تعلیم و تربیت از معیارها و ویژگی‌های برخوردار است:

انسان فرهیخته دانش و تخصص را توأم با درک داراست، یک شخص فرهیخته به هنگام صدور داوری‌های اخلاقی به تعبیرهای ناپخته و غیرعالمانه استناد نمی‌کند. شخص فرهیخته کسی است که تا حدودی قادر باشد امور را به خاطر خود آن‌ها انجام دهد و بشناسد (هرست، وایت، ۱۹۹۸؛ ترجمه شعبانی‌ورکی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۸۷).
شخص فرهیخته کسی است که حائز طیفی از خصائصی باشد که مرتبط با دانش و درک هستند. مشخصه یک فرد فرهیخته نه فقط علاقه پایدار او نسبت به دانش و درک بلکه همچنین توانایی وی برای پذیرش، تاحدی، یک بازخورد غیرابزاری نسبت به فعالیت‌ها است (پیترز، ۱۹۷۳، ۱۱۸-۸۶)

انسان فرهیخته، انسانی است که دارای ویژگی‌های خاص است که او را شایسته عنوان «فرهیخته» می‌کند. می‌توان ویژگی‌های چنین انسانی را در سه محور زیر خلاصه کرد:

۱- التزام به ارزش‌های درونی (نگاه غیر ابزاری به امور زندگی)؛ التزام و تعهد به آن چه که به طور درونی با ارزش است، یکی از معیارهایی است که بر اساس آن می‌توان سطح فرهیختگی محصول نظام آموزشی را مورد بررسی قرار داد. او قادر است ارزش‌مندی درونی امور را از آن چه که آن‌ها به آن منجر می‌شوند یا به بار می‌آورند، متمایز کند (پیترز، ۱۹۷۳، ۱۱۷).
۲- بسط و تعمیق دانش و درک؛ شخص «فرهیخته» کسی است که نه تنها دارای معلوماتی است، بلکه فهم بعضی چیزهایی را هم داراست. همچنین، نظر بر این است که این فهمیدن باید وسیع و عمیق باشد و نباید زیاد در محدوده باریک یک موضوع معین قرار گیرد (تقی پورظهیر، ۱۳۸۹، ص ۲۷). انسان فرهیخته کسی است که دانش را به نحوی کسب کرده که

¹Educed man

² Petrs,S

متحول شده است (زیباکلام، ۱۳۸۴). مداومت در عمق بخشیدن و گسترش دادن دانش و فهمیدن از ویژگی‌هایی است که انسان فرهیخته واجد آن است (نامی، ۱۳۸۴، ص ۴۳۱). بنابراین، صرف داشتن مهارت در زمینه‌های گوناگون، دال بر فرهیختگی نیست. اساساً مفهوم فرهیخته هم شامل جنبه عملی وهم شامل جنبه نظری دانش و آگاهی است (پیترز، ۱۹۷۷، ص ۲۹). انسان فرهیخته، دارای مجموعه‌ای از علوم است و از جامعیت برخوردار است. و چنین انسانی در همه‌ی ابعاد تربیتی رشد یافته است (صحبت لو، ۱۴۰۲، ص ۲۵۲).

۳- کامل بودن: انسان فرهیخته علاوه بر التزام داشتن به آن چه که به طور درونی ارزشمند است و نیز دارا بودن دانش و درک عمیق، باید انسانی کامل و جامع باشد (پیترز، ۱۹۷۳، ص ۳۳). انسان فرهیخته تنها در یک رشته تخصص ندارد، بلکه از نگاهی جامع نسبت به تمام مسائل برخوردار است. افق ذهنی بسیار وسیعی دارد، تجربه کرده و جهان دیده است. نظرات مختلف را باهم و در کنارهم همچون قطعاتی که یکدیگر را تکمیل می‌کنند، می‌بیند (مجتهدی، ۱۳۹۳).

مهم ترین ویژگی فرهیختگی کل نگری است که ایجاد آن مستلزم احاطه بینش کل نگر و رویکرد میان رشته ای در آموزش عالی است. مبنای اتخاذ چنین رویکردی می بایست نگاه اخلاقی به انسان، علم و تربیت و کشف جوهر اخلاقی در آن‌ها باشد (دیناروند و دیگران، ۱۳۹۱).

از ویژگی های دیگر انسان فرهیخته می توان به تدبیر، موقعیت‌شناسی، قدرت تحلیل و سنجش، عقلانیت، بصیرت و وجدان اخلاقی اشاره کرد (مجتهدی، ۱۳۹۳). همچنین کسب دانش برای خود دانش، ایجاد لذت ذهنی و اعتلای عقلی از دیگر ویژگی‌های انسان فرهیخته است (میرزا محمدی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۹).

مسئولیت حقیقی نظام آموزشی کشور، تربیت انسان‌های صالح و پارسا ست و محصول نظام آموزشی براساس معیارها و ملاک هایی سنجیده می‌شود و توجه به ابعاد و ساحت های تربیتی «اعتقادی، عبادی و اخلاقی، زیستی و بدنی، سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و حرفه‌ای، علمی و فناوری، و هنری و زیبایی‌شناختی» جهت تحقق حیات طیبیه در نظام آموزشی جمهوری اسلامی مورد توجه است. رسالت نظام تربیتی کشور تربیت افراد براساس این ابعاد و شاخص ها است. به عبارت دیگر نظام آموزشی به دنبال تربیت افراد در تمام ابعاد تربیتی است. بنابراین، تمام ارکان تربیتی در نظام آموزشی، باید به تمام ابعاد تربیتی جهت شکوفا نمودن خصایص در محیط‌های گوناگون توجه ویژه نشان دهند.

از آنجاکه همه نظام‌های تربیتی در طول تاریخ در پی تحقق تربیت انسان فرهیخته بوده اند و این مهم با نگاه ابزارگرایانه و مادی گرایانه ای که امروزه بر سر نظام تربیتی سایه افکنده، صورت نمی‌گیرد و از آنجاکه نظام تربیتی در تحقق هدف متعالی خود یعنی پرورش انسان فرهیخته ناکام گشته و دلایل آن، فقر مفهومی تربیت، نوع جهان بینی و نگاه به تربیت، بازیچه مسائل سیاسی شدن، سایه سنگین دنیای فناوری و ارتباطات بر سر نظام تربیتی به ویژه در کشورهای جهان سوم، کم‌رنک شدن باورها و ارزش‌های تعالی بخش و... است (پیروتی اقدم و نظری رودبالی، ۱۴۰۳، ص ۴). جهت برون رفت از چالش های حاکم در نظام تربیتی کشور نیازمند بهره گیری از اندیشه های تربیتی مربیان بومی هستیم تا این رهگذر بتوان به ترسیم آرمان تربیتی و به تبع آن اهداف تربیتی نائل آمد.

غلامحسین شکوهی (۱۳۰۵-۱۳۹۵) که با عنوان «پدر علم تعلیم و تربیت ایران» نیز شناخته می‌شود از مدرسین قدیمی تعلیم و تربیت و نیز اولین وزیر آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران بود. استاد شکوهی از سرمایه های بومی و از معلمان شاخص و تأثیرگذار و جزء چهره های درخشان تعلیم و تربیت کشور بوده است.

با وجود تلاش‌های علمی فراوانی که تاکنون در زمینه آثار دکتر شکوهی به طور عام نظیر (دستی و نقی زاده، ۱۳۹۴؛ دستی، ۱۳۹۵؛ کرم‌دوست، ۱۳۹۵؛ کیامنش، ۱۳۹۴؛ نیستانی، ۱۳۹۱؛ نوروزی وهمکاران، ۱۳۹۴؛ خزاعی فر و دیگران، ۱۳۹۴؛ لاجوردی، ۱۳۹۹؛ ایوبی، ۱۳۹۶؛ حسن، ۱۳۹۵؛ ایروانی، ۱۳۹۹) توسط صاحب نظران و پژوهشگرانی به عمل آمده، ولی پژوهشی که به طور خاص در باب تبیین دیدگاه دکتر شکوهی در زمینه انسان فرهیخته باشد، انجام نگرفته است. آنچه

دغدغه محقق را به سوی مطالعه، دقت، فهم، تفکر و تحقیق در دیدگاه دکتر شکوهی درباره انسان فرهیخته می‌کشد، نگاه جامع ایشان به اتفاقات و مسائل تربیت است.

رجوع و بهره‌گیری از تجارب و اندوخته‌های علمی و فرهنگی که در وجود شخصیت‌های تاثیر گذار و چهره‌های ماندگار کشور نهاده شده است، از امور مورد توجه و دغدغه‌های همیشگی شکوهی بوده است و نمونه‌های فراوانی از آن در سیره عملی ایشان وجود دارد. این هم خود درسی است که باید بازگویی شود و تکرار آن در ترویج چنین نگاهی به بزرگان و سرمایه‌های فکری و علمی کشور بسیار موثر و قابل استفاده خواهد بود (دشتی، ۱۳۹۵، ص ۱۰).

انسان فرهیخته وصفی است که برای انسان مطلوب و غایت تربیت از منظر دکتر شکوهی ذکر شده است، لذا مسئله اصلی این پژوهش این است که دیدگاه تربیتی استاد شکوهی در باب تربیت انسان فرهیخته تبیین و بررسی شود. تلاش بر این است راه‌حل نظری نو برای نظام آموزشی، برای تربیت انسان فرهیخته با توجه به اندیشه استاد شکوهی ارائه‌ی شود. رویکرد تربیتی شکوهی آن گونه که از آثار و بیاناتش بر می‌آید، برخاسته از ۱۸ سال تجربه معلمی برای کودکان و دانش‌نوین تعلیم و تربیت مبتنی بوده است. شکوهی کودک را در نظام تعلیم و تربیت، در کانون توجه قرار می‌دهد. معلمان قبل از آغاز کار تعلیم تربیت بایسته است هدف از تعلیم و تربیت، غایت تربیت و چگونگی تربیت انسان‌ها برایشان مشخص باشد. رویکرد غالب تعلیم و تربیت نوین ایشان می‌تواند به نیاز تربیتی نسل امروزه خصوصاً بر تربیت کودکان و آموزش به کودکان در دوره ابتدایی مفید واقع شود. بر این اساس، پرسش‌های اساسی پژوهش این است که اولاً، انسان فرهیخته از نظر دکتر شکوهی چگونه انسانی است؟ و با چه معیارها و ویژگی‌های می‌توان چنین انسانی را به عنوان محصول تعلیم و تربیت محک زد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، نخست چيستی تربیت، مبانی تربیت، مراحل تربیت، اهداف تربیت و اصول تعلیم و تربیت از منظر دکتر شکوهی مورد بررسی قرار گرفته است. سپس مختصات و ویژگی‌های انسان فرهیخته استاد شکوهی در ابعاد گوناگون مورد توجه قرار گرفته و نهایتاً به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

پیروتی اقدام و نظری رودبالی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی مفهوم انسان فرهیخته از منظر یوهان گوتفرد هردر و استنتاج دلالت‌های آن در عرصه تربیت معلم» به مطالعه پرداخته‌اند. نتیجه‌ی بررسی‌ها نشان داد که مبانی تربیت از منظر هردر عبارت است از: انسان فرهیخته دارای وحدت ارگانیک با طبیعت است؛ انسان فرهیخته به هویت اجتماعی-فرهنگی خویش آگاه است؛ انسان فرهیخته میل به کمال‌پذیری دارد؛ انسان فرهیخته تفاوت‌ها، تنوع و تعدد را به رسمیت می‌شناسد؛ انسان فرهیخته فردیت خویش را در اجتماع رشد و توسعه می‌دهد؛ انسان فرهیخته معنویت‌گرا است و انسان فرهیخته، صاحب آزادی است.

در پژوهش دیگر صحبت لو (۱۴۰۲) با عنوان «نقد و مقایسه انسان فرهیخته سند تحول از منظر ابن‌سینا» به مطالعه پرداخته است. بررسی مبانی فلسفی تربیت در هردو نظام تربیتی نشان داد که تصویر انسان فرهیخته را نمی‌توان تنها ذیل مبحث مبانی انسان‌شناسی مشاهده کرد. در هر دو دیدگاه، هدف‌گذاری از تربیت انسان فرهیخته رسیدن به قرب الهی ذکر شده است. از وجوه اشتراک انسان فرهیخته سینوی و سند تحول می‌توان به ویژگی‌هایی همچون نگرش غیرابزاری به دانش، حرفه‌گرایی و اجتماعی بودن اشاره کرد و همین‌طور از وجوه افتراق آنها ویژگی‌هایی همچون تعقل، اراده و اختیار و ابعاد تربیت قابل ذکر است.

همچنین مطالعه دیگری (۱۳۹۷) توسط صحبت‌لو؛ آهنچیان؛ شعبانی ورکی و صادق زاده قمصری با عنوان «انسان فرهیخته سینوی» انجام گرفته است. یافته‌های به‌دست‌آمده نشان دادند که در حوزه هستی‌شناسی، ابن‌سینا مفهوم انسان فرهیخته را با مفاهیمی چون خداوند در حکم مبدا خالق هستی، حاکمیت نظام علیت بر جهان هستی و غایت‌مندی در نظام هستی در یک مجموعه می‌نگرد. در قلمرو معرفت‌شناسی ابن‌سینا، انسان فرهیخته را در گستره هستی می‌نگرد. ابن‌سینا در حوزه ارزش‌شناسی، تصویری که از انسان فرهیخته ارائه می‌دهد شامل موجودی دارای اراده و اخلاق تغییرپذیر است. سرانجام در قلمرو انسان‌شناسی وی انسان فرهیخته را به منزله موجودی واجد اصالت روح، اجتماعی و

متفاوت از نظر برخورداری از عقل به تصویر می کشد.

نتیجه مطالعه شوشتری (۱۳۹۳) با عنوان «مقایسه تطبیقی ویژگی های انسان فرهیخته از دیدگاه ریچارد استنلی پیترز و علامه محمد تقی جعفری» حاکی است که اگرچه فیشر آراء نسبتاً کاملتری نسبت به دیگر نظریه پردازان غیرمسلمان، به انسان و ویژگی های کمال او دارد اما جای خالی بسیاری از ویژگی های دینی و مذهبی که در آثار و آراء جعفری دیده می شود، در آثار او خالی است. این امر خود نشان دهنده شناخت ناقص فیشر از انسان است، به نحوی که یکی از مهمترین ابعاد وجودی انسان که همانا ارتباط و نیاز انسان به خالق لایتناهی است، نادیده انگاشته شده است. بنابراین علامه جعفری دارای شناختی عمیق تر و کامل تر به انسان است و این امر خود حکایت از برتری انسان شناسی وی نسبت به فیشر دارد.

دیناروند و دیگران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «انسان فرهیخته به عنوان هدف تعلیم و تربیت لیبرال و نقش آموزش عالی در تحقق آن» به مطالعه پرداخته اند. براساس نتایج بدست آمده انسان فرهیخته شخصیتی خودآگاه و خودگردان است که عقل و عاطفه، اندیشه و عمل در وجود او به هم پیوسته اند و او را در ادراک پیوندها، نه فقط میان ایده ها و اندیشه ها بلکه میان کل پدیده ها در جهان طبیعی و اجتماعی و عمل موثر در جهان توانمند ساخته اند. آموزش عالی در راستای تحقق انسان فرهیخته لازم است که فلسفه لیبرال را با فلسفه حرفه گرا آشتی دهد و ضمن وفاداری به ارزش های اصیل آموزش عالی به ضروریات و مقتضیات زمان گردن نهد. در عین حال، یک آموزش عالی مطلوب آرمان فرهیختگی را قربانی انتظارات جامعه و صنعت و سیاست نمی سازد.

نوروزی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه دکتر غلامحسین شکوهی» به مطالعه پرداخته اند. نتیجه مطالعه نشان داد که غایت تربیت کمال مطلوبی مطابق با حقیقت انسان است و رسیدن به قرب الهی هدف مطلوب است و تربیت همه ابعاد فردی و اجتماعی را در بر می گیرد و تربیت فرد در راستای ارتباط فرد با مبدأ آفرینش، در ارتباط با خویش، در ارتباط با جامعه بشری و در ارتباط با عالم طبیعت است.

مطالعه خزاعی فر و دیگران (۱۳۹۴) با عنوان «سیری تحلیلی بر زندگی، آثار و آرا دکتر غلامحسین شکوهی و بررسی نقش وی در نظام تعلیم و تربیت نوین ایران» نشان داد که دکتر شکوهی از نظریه پردازان طرازاول کشور در زمینه مسائل تعلیم و تربیت است. وی کودک را در نظام تعلیم، کانون توجه قرار می دهد و شرط لازم معلمی را پذیرش کودک به عنوان انسانی مستقل و دارای ویژگی هایی می داند که باید آنها را شناخت و سپس به پرورش و آموزش او پرداخت. تاکید اصلی دکتر شکوهی در بررسی و تحلیل موارد آموزش برجسته های علمی به عنوان مهم ترین موضوع و شالوده مواد می باشد. ایشان معلم را رکن

لاجوردی و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل و نقد نظریات تربیتی دکتر غلامحسین شکوهی» به مطالعه پرداخته اند. نتایج پژوهش بیانگر آن بود که دکتر شکوهی اصل فعالیت و کمال، اصل حریت و سندیت، اصل تفرد و اجتماع و اصل تناسب وضع و عمل را از مهمترین اصول دانسته و در بخش روشها، روشهای تدریس به ویژه تحولات در روش تدریس ریاضی و تاکید بر روش عملی را کارآمد توصیف کرده است. ایشان در مراحل تربیت، ۶ مرحله را در نظر گرفته و متناسب با هر مرحله تربیت، روشهایی را تجویز نموده است.

مطالعه دیگری توسط ایوبی و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی و مقایسه مراحل رشد دکتر شکوهی با نظریات اریکسون و پیاژه» انجام گرفته است. نتایج این تحقیق، از نزدیکی زیاد مراحل رشد دکتر شکوهی به مراحل رشد اریکسون حکایت کرد و از جهاتی نیز تفاوت های عمده ای با آن داشت، از جمله می توان به تاکید ویژه ی دکتر شکوهی بر تعلیم دین اسلام مانند نقش ارزش های اخلاقی و دینی در مراحل رشد کودک یاد کرد، از طرف دیگر نظریه ی رشد اریکسون تا پایان عمر را شامل می شد در حالیکه مراحل رشد ذکر شده توسط شکوهی تا دوره ی جوانی و سنین حدوداً بیست سالگی را شامل می شود.

پژوهشی توسط حسنی و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان «دکتر شکوهی و فیلسوفان تعلیم و تربیت» انجام گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داد که تعلیم و تربیت از جمله دغدغه های مشترک جوامع بشری است اندیشمندان و صاحب نظران

تعلیم و تربیت بر این باورند که روش صحیح تربیتی پایه و اساس موفقیت هر ملتی است و معمولاً بدون تعلیم و تربیت صحیح هیچ کوششی در جامعه به ثمر نخواهد نشست بی شک یکی از افراد برجسته و تاثیر گذار در مسایل تربیتی ایران که خدمات ارزنده ای در زمینه تعلیم و تربیت به این مرز و بوم ارایه داده اند، دکتر شکوهی می باشد که خدمات ارزنده ایشان در تاریخ آموزش و پرورش کشور ما فراموش نخواهد شد نتیجه دیگر این مطالعه نشان داد که معلمان و مربیان قبل از آغاز کار تعلیم تربیت بایسته است هدف از تعلیم و تربیت برایشان مشخص باشد و بدانند که چگونه انسانها را تربیت کنند و در این صورت چه تغییراتی باید حاصل گردد تا با طرح ریزی و روش به اجرا بپردازد. و آموزش و پرورش بایستی مربیانی آگاه و با تجربه را در مراحل مختلف دوران تربیت به کار گیری کند تا بتواند انسانهای مفید با تقوا، مومن، مخلص متقی و با کرامت تربیت نمایند.

ایروانی (۱۳۹۹) در مدخلی در دانشنامه فلسفه تعلیم و تربیت به بررسی این شخصیت علمی و فرهنگی پرداخته است. نویسنده در این دانشنامه ضمن معرفی شخصیت علمی و فرهنگی استاد شکوهی، او را از چهره های ماندگار عرصه تعلیم و تربیت دانسته است که تأثیر بسزایی در نظام تعلیم و تربیت ایران داشته است. آنگاه به معرفی آثار برجسته شکوهی پرداخته و توصیه به مطالعه آثار و نوشته های او را برای همه دغدغه مندان عرصه تعلیم و تربیت داشته است. در مطالعه دیگر، نیستانی (۱۳۹۱) با عنوان «کلاسی از جنس واقعه؛ درس هایی که از استاد شکوهی آموختم» به مطالعه پرداخته است. این اثر را می توان تجربه ای دانست که از طریق اندیشیدن و حضور چندین ساله در کلاس های شکوهی به دست آمده و توصیف ها و داوری های ارائه شده در آن، ناظر به درک و تجربه زیسته است. این مطالعه با استفاده از پدیدارشناسانه مبتنی بر تجربه خود زیسته به تبیین و تحلیل کلاس های دکتر شکوهی پرداخته است. محقق ضمن بررسی تجربه خویش از کلاس های شکوهی، کوشیده است به شیوه ای ضمن بررسی تجربه خویش از ماهیت اساسی کلاس های او راه برد.

دشتی ونقی زاده (۱۳۹۴) در مطالعه ای با عنوان «شکوه معلمی: در باب زندگی و آثار استاد شکوهی چهره مادگار تعلیم و تربیت» به پژوهش پرداخته است. در این مطالعه، مختصری از ویژگی های شخصیت، فعالیت ها و خدمات علمی و فرهنگی این استاد بزرگ را به تصویر می کشد. بدون شک توصیف شخصیت این استاد و بیان ویژگی های اخلاقی و خدمات آموزشی، علمی و حرفه ای ایشان کار ارزشمند و بزرگی است و تنها کسانی می توانند از عهده این کار مهم برآیند که از توانایی قدرت بیان و بازگویی آن همه عظمت و بزرگی با زبان قلم برخوردار باشند و این عزیز را در همه مراحل زندگی پربرکتش بهتر از ما بشناسند.

بررسی پیشینه پژوهش در دو بخش مورد توجه قرار گرفته است؛ در بخش نخست مطالعاتی که به طور عام روی «مفهوم انسان فرهیخته، ویژگی ها و شاخص های آن» متمرکز شده است و در بخش دوم پژوهش ها و مطالعاتی که به طور اخص به بررسی اندیشه های تربیتی از منظر استاد شکوهی پرداخته اند. مرور پیشینه پژوهش نشان داد که پژوهش ها و مطالعات انجام گرفته توسط محققان نیز فرصت لازم و کافی در جهت تبیین دیدگاه شکوهی در باب ارائه تصویر از انسان مطلوب و فرهیخته را نداشته اند. کانون مطالعات انجام گرفته بیشتر بر تحلیل شخصیت علمی و فرهنگی ایشان، اهداف، اصول و روش های تعلیم و تربیت از دیدگاه دکتر شکوهی متمرکز بوده است.

روش ها

با توجه به این که در این پژوهش، هدف تبیین و بررسی دیدگاه تربیتی استاد شکوهی در باب تربیت انسان فرهیخته مدنظر بوده است، برای دستیابی به این هدف، از روش تحلیلی و استنتاجی به منظور پاسخ به سؤالات پژوهش استفاده شده است. در نوشتار پیش رو، از روش تحلیلی در تحلیل مفاهیم اساسی تعلیم و تربیت مانند تعریف تربیت، مفهوم انسان فرهیخته، ویژگی ها آن استفاده شده است. همین طور در استفاده از روش استنتاج هم باید گفت که روش استنتاج ضرورت عقلی در پژوهش های فلسفی تعلیم و تربیت اسلامی از با ارزش ترین موضوعاتی است که کانون آگاهی برخی از

پژوهشگران این گستره از علوم انسانی قرار گرفته است. در این پژوهش، از روش استنتاج در بررسی مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها و دلالت‌های تربیتی از منظر استادشکوهی بهره گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش، منابع دست‌اول آثاری از استاد شکوهی؛ «مبانی و اصول آموزش و پرورش»، «تعلیم و تربیت و مراحل آن»، «اندیشه‌هایی درباره آموزش و پرورش»، «تعلیم و تربیت ترجمه» و «مربیان بزرگ» که با مباحث انسان‌شناسی و تعلیم و تربیت مرتبط بوده و در این آثار کمال انسانی را به تصویر کشیده، مراجعه شده است. همچنین از منابع دست‌دوم (پایان‌نامه‌ها، طرح‌های پژوهشی، کتاب‌ها و مقالات) که مرتبط با موضوع «انسان فرهیخته» بوده، استفاده شده است. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شده و بر این اساس ابتدا منابع دست‌اول انتخاب و سپس سایر منابع مرتبط با موضوع، مورد نظر قرار گرفته و از آن‌ها استفاده شده است. ابزار پژوهش نیز فیش برداری می‌باشد که یافته‌های حاصل از تحقیق را به صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

یافته‌ها

انسان فرهیخته استادشکوهی آن

چیستی تربیت

برای همه معلمان و مربیان بایسته است قبل از آغاز تعلیم و تربیت، تصویری روشن از معنی و مفهوم تربیت، اهمیت و ضرورت و جایگاه آن، هدف و غایت تربیت و چگونگی تربیت انسان‌ها داشته باشد. در آثار استاد شکوهی به این موضوع توجه شده است.

دکتر شکوهی در مورد مشخص شدن فلسفه و هدف و غایت تربیت چنین بیان می‌کند؛ «ضرورت داشتن فلسفه و هدف معین و برنامه و روش‌های مشخص در امر تعلیم و تربیت و لزوم ارزیابی مداوم محصول تلاش‌ها، تحول و نیازها و تجدید نظر در برنامه‌های آموزشی و پرورشی، موضوعی غیر قابل انکار است» (شکوهی، ۱۳۶۰، ص ۲۸۷)

شکوهی در کتاب تعلیم و تربیت و مراحل آن در فصل نخست به معنی و مفهوم تربیت پرداخته است. ایشان با استناد به منابع مستند معنی لغوی تربیت را این‌گونه بیان کرده است؛ «تربیت به معنی نشو و نما دادن، زیاد کردن، برکشیدن و مرغوب یا قیمتی ساختن است» (شکوهی، ۱۳۸۳، ص ۲). سپس موضوع تربیت را مطرح کرده است. او بیان می‌کند که موضوع تربیت نفس انسانی است که از آن، به طور ارادی افعال جمیل و محمود یا قبیح و مذوم صادر می‌شود (همان، ص ۳). او بر این عقیده است که همه انسان‌ها دارای قابلیت و استعدادهایی هستند. مراد از قابلیت و استعداد امکاناتی است که تصویر کلی آن در خلقت هر مخلوقی بالقوه موجود است؛ ولی فعلیت یافتن و تحقق تمام یا قسمتی از آن، منوط به حصول فرصت مناسب می‌باشد. امر بالقوه چیزی است که ممکن است بر حسب مساعدت یا عدم مساعدت شرایط فعلیت پیدا کند یا نکند؛ و در صورت فعلیت یافتن، به تمامی تحقق یابد یا به طور ناقص؛ و همچنین کیفیت تحقق‌اش بسته به شرایط، در موارد مختلف متفاوت باشد: ابعاد مختلف وجودش دستخوش افراط و تفریط شود یا بین جنبه‌ها مختلف آن هم آهنگی موجود و هستی‌اش از اعتدال نسبی برخوردار باشد (همان، ص ۴-۳).

او در ادامه تربیت را این‌گونه تعریف می‌کند؛ تربیت محصول مراقبتی است که از نشو و نما آدمیزاده در جریان رشد وی یعنی سیر به سوی کمال به عمل می‌آید. به عبارت دیگر، تربیت عمل عمدی فردی رشید است که می‌خواهد رشد را در فردی که فاقد ولی قابل آنست، تسهیل کند. تربیت سرپرستی از جریان رشد، یعنی اتخاذ تدابیر مقتضی جهت فراهم ساختن شرایط مساعدی برای رشد است (همان، ص ۶). همچنین دکتر شکوهی در جمع‌بندی چیستی تربیت این‌گونه بیان می‌کند؛ «تربیت به اجمال عبارت است از تأثیری که بزرگسال، یعنی فردی که از کمال نسبی برخوردار است، بر خردسال که معمولاً با کمال فاصله بیشتری دارد، می‌گذارد تا وی را در رسیدن به مدارج عالی تر کمال یاری کند» (شکوهی، ۱۳۸۳، ص ۳۳). در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که تربیت از دیدگاه شکوهی عبارت است از تمهید مقدمات لازم برای رشد استعدادها و توانایی‌های فرد برای رسیدن به کمال مطلوب. تربیت نوعی بسترسازی است که به وسیله‌ی انسان‌های آگاه انجام می‌شود و انسان دارای توانایی‌های بالقوه‌ای است که در اثر تربیت باید به توانایی‌های

بالفعل تبدیل شود و تربیت تحمیلی نیست باید موافق با طبیعت انسان باشد. او تربیت را به منزله تنها امکان سازندگی انسان تنها از راه طبیعت ممکن می داند؛ او تربیت را مراقبت می داند و نه مداخله. شکوهی به تربیت طبیعی بر اساس قوانین حاکم بر طبیعت فائل بود.

مبانی تربیت

تعلیم و تربیت بر چه اساسی باید مبتنی باشد؟ و چگونه می توان اقدامات مربی را حین مواجهه با موقعیت های مختلف تربیتی توجیه کرد؟ دکتر شکوهی مبانی تربیت را از ارکان تربیت می شماره و به زعم ایشان مبانی تعلیم و تربیت از موقعیت آدمی و امکانات و محدودیت هایش و نیز از ضرورت هایی که حیاتش همواره تحت تأثیر آنهاست، بحث می کند. از نظر دکتر شکوهی هدف ها مقاصد را مشخص می کند و عزیمت به سوی هر مقصد، برای آن که متضمن وصول بدان باشد، مستلزم طرح و نقشه ای است که ناگزیر باید با توجه به مبدأ حرکت ترسیم شود. دکتر شکوهی مبانی تعلیم و تربیت را به دو دسته تقسیم کرده است؛

الف- مبانی علمی: مبانی علمی آموزش و پرورش با توجه به ویژگی های زیستی، اجتماعی و روانی مورد تربیت مشخص می شود. از نظر شکوهی تعلیم و تربیت با هریک از زمینه های زیست شناسی، جامعه شناسی و روان شناسی ارتباط تنگاتنگ دارد. پیشرفت دانش بشر به ویژه در زمینه های مذکور در صدسال اخیر سبب شده است که روز به روز بر تأثیر یافته های علمی بر جریان تعلیم و تربیت افزوده شود (همان، ص ۶۲). به زعم ایشان اقدامات تربیتی در درجه اول تابع غایت تربیت است و بررسی غایات نه در صلاحیت علم و نه در حد تکنیک، بلکه فقط در صلاحیت فلسفه است. بعلاوه فلسفه است که باید همه داده ها را بهم مربوط ساخته این مجموعه را در جهت نیل به هدف ها هماهنگ کند و وحدت لازم را در آن ها به وجود آورد (شاتو و دیگران، ترجمه شکوهی، ۱۳۵۵، ص ۲۲۷).

ب- مبانی فلسفی: مبانی فلسفی آموزش و پرورش از ملاحظات اخلاقی و فلسفی مربوط به طبیعت آدمی و هدف ها و غایات تربیت افراد استنتاج می شود (همان، ص ۶۱).

دکتر شکوهی بیان می کند که در شرایط جدید از فلسفه تعلیم و تربیت انتظار می رود که:

۱- به تلاش های خود برای تعیین و تصریح هدف های غایی تربیت با توجه به شرایط و مقتضیات زندگی فردی و جمعی انسان در عصر حاضر ادامه دهد.

۲- اعتبار نتایج حاصله از تحقیقات جدید علمی را با توجه به احتیاجات اساسی انسان در اوضاع و احوال فعلی جهان مورد نقد و بررسی قرار دهد.

۳- یافته های معتبر علوم مربوط به آدمی را برای افزایش کارایی آن ها از نظر تحقق هدف های غایی و اهداف کلی تربیت با یکدیگر تلفیق کند (همان، ص ۱۰۷).

دکتر شکوهی (۱۳۶۰) به داوطلبان دوره های تربیت معلم توصیه می کند که مبانی نظری تعلیم و تربیت را به خوبی بشناسند و از طبیعت آدمی، هدف و غایت زندگی او، امکانات و محدودیت ها و نیز از تفاوت های فردی آگاه باشند. این آشنایی نباید در حد شناخت نظرات دیگران محدود شود به عکس باید داوطلب طرز فکر دیگران را با دید انتقادی بنگردد و اطلاع از اندیشه های مختلف را وسیله تصحیح اندیشه خویش سازد (ص ۲۰۹).

از نگاه شکوهی سه نوع تربیت برای انسان وجود دارد؛ تربیت طبیعی، تربیت اجتماعی و تربیت انسانی. در مرحله اول بدون در نظر گرفتن ساختمان و شکل خاص جسم تربیت امکان پذیر نیست و اگر انسان فقط تربیت طبیعی شود به دشواری می تواند اجتماعی باشد پس باید علاوه بر تربیت طبیعی مقدمات سازگاری انسان با شرایط محیط اجتماعی را مهیا نمود و این تربیت به وجود انسان شکل جدیدی می بخشد و این مرحله شرط لازم هر اقدام تربیتی است چون انسان با این تربیت سعی دارد خود را از سلطه ی جنبه های مادی برهاند، پس تعلیم و تربیت اجتماعی اولین مرتبه معنویت و روحانیت است و سپس تربیت انسانی است. فلسفه تربیت قبل از هر چیز فلسفه انسان است و مرحله اساسی تربیت همانا مسئله بازگشت به خویشتن و در عین حال رهائی از خویشتن هم هست. در نگاه دکتر شکوهی چگونگی تربیت انسان

در هر سه مرحله تربیت طبیعی، تربیت اجتماعی و تربیت انسانی به شکل منظم صورت می‌گیرد و در هر مرحله مربی نقش اساسی ایفا می‌کند.

هدف غایی تربیت

تبیین اهداف تربیتی اولین گام در جهت ترسیم سیمای انسان فرهیخته می‌باشد. یک نظام تربیتی برای آن که بتواند در رسالت خویش موفق باشد و انسان‌هایی را تربیت کند که به سعادت برسند، بایستی در برنامه تربیت، اهداف خویش را مشخص سازد (نصرتی‌هشتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۶).

شکوهی در کتاب تعلیم و تربیت و مراحل آن (۱۳۸۳) به تصریح هدف غایی تربیت پرداخته است. او چنین نوشته است که؛ هر موجودی را کمالی است که هدف خلقت او و به تبع آن، هدف تربیتی اش رسیدن بدان است. بنابراین، هدف تعلیم و تربیت آدمی تسهیل سیر صعودی و استکمالی انسان به سوی حالت کمالی است که در خلقتش مقدر شده است (ص ۳۷). از نظر دکتر شکوهی کمال آدمی در این است که با استفاده از امکاناتی که دارد به مرحله ادراک معقولات و به حد تمیز قبیح از جمیل برسد و بیاری اندیشه و از روی اراده ممدوح را بر مذموم اختیار کند (همان، ص ۳۹).

هدف غایی تربیت، به تعبیر دکتر شکوهی، به مثابه چراغ راهنمایی است که با مشاهده پرتو آن، شور و شوق در دل همه کشتی نشستگانی که در تاریکی شب با امواج خروشان دست به گریبانند موج می‌زند، و سودمندی آن در این است که از هر نقطه و در هر شرایطی، با مختصر توجهی قابل رؤیت است و می‌تواند همواره مد نظر باشد، به آتش شوق سرگشتگان دامن بزند و وسیله‌ای جهت ایجاد هماهنگی در تلاشهای لزوماً پراکنده باشد؛ و اگر چه گاهی وصول به آن قلّه نهایی با توجه به دوری مسافت و بر اثر ابرهای تیره‌ای که آن را از هر سو فرا گرفته و از نظر پنهان کرده است، بعید می‌نماید، نیل بدان قابل تصور است و این تصور به نسبتی که از قوه تصور نیرومند و ایمان و اطمینان به قابل وصول بودن آن برخوردار باشیم، مشوق عمل و اقدام است، دسترسی به آن دشوار و صعود به آن مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و از خود گذشتگی فراوان است (شکوهی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱).

نظام تعلیم و تربیت باید به تمامی در خدمت هدفهای غایی باشد، از این رو تحقق غایات تربیت، جز در نظامی که اجزای مختلف آن با یکدیگر کاملاً هماهنگ می‌باشند، قابل تصور نیست (همان، صص ۱۳۲-۱۲۲).

از نظر او هدف غائی تعلیم و تربیت در اسلام این است که مقدمات حرکت و هدایت آدمی را در صراط مستقیم پرستش پروردگار فراهم آورد و معراج او را به مرحله کمال انسانی تسهیل نماید و راه بازگشت به احسن تقویمی را که مبنای آفرینش وی بر آن استوار است، هموار کند؛ به طوری که در سایه عمل صالح مراحل و مدارج علم و ایمان را طی کند و خود را هر لحظه به خداوند متعال که مقتصد نهایی این سیر و سلوک است نزدیک تر سازد (همان، ص ۴۰). او بر این عقیده است که انسان در این راه همواره با سه امر مرتبط با یکدیگر مواجه است:

۱- خود انسان با همه استعدادها و امکاناتش؛

۲- جامع بشری و تاریخ و کلیه مظاهر و منابع ان؛

۳- علم طبیعت (همان، ص ۴۰)

لذا باید چگونگی رابطه آدمی با خویش و با جامعه بشری و تاریخ آن و با عالم طبیعت و نیز رابطه این سه با یکدیگر، معلوم شود و همچنین نحوه ارتباط این سه با مبدأ آفرینش روش گردد و همواره مدنظر نظر باشد. نگاه شکوهی به انسان نگاهی است که انسان را امانت الهی می‌داند که مجموعه‌ای از استعدادها و توانایی است و از طریق تعلیم و تربیت این استعدادها شکوفا می‌شود.

با توجه به هدف غائی تعلیم و تربیت، می‌توان ویژگی‌های انسان فرهیخته استاد شکوهی را به صورت زیر اشاره کرد: هدف آموزش و پرورش تربیت مردمی مؤمن، متقی و مسئول؛ در رابطه با خالق، مفید و متعهد در رابطه با جامعه و متفکر و خلاق و مولد در رابطه با عالم طبیعت است (همان، ص ۴۱). ویژگی‌های انسان فرهیخته استاد شکوهی با ویژگی‌های که در سند آموزش و پرورش درباره انسان تربیت شده بیان شده همپوشانی دارد. در بخش اهداف کلان سند تحول؛ تربیت

انسانی مومن و متخلق به اخلاق اسلامی، پرسشگر و فکور، خلاق و کارآفرین، سالم و با نشاط، انتخاب‌گر و آزاد منش، قانون‌گرا و نظم‌پذیر، عدالت‌خواه و صلح‌... مورد توجه قرار گرفته است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

اهداف زمینه ساز تربیت

دکتر شکوهی در کتاب تعلیم و تربیت و مراحل آن (۱۳۸۳) بیان می‌کند که برای وصول به هدف غائی تعلیم و تربیت، هدف‌های زمینه ساز باید همواره در عمل مدنظر باشد:

الف- تعلیم و تربیت فرد در ارتباط با مبدأ آفرینش؛ تعلیم و تربیت، باید بر معرفت و ایمان به خدای یکتا و اعتقاد به اسلام و حسن نیت نسبت به قرآن مبتنی باشد و به عمل بر اساس همان علم و ایمان نیز بیانجامد.

ب- تعلیم و تربیت فرد در ارتباط با خویشتن؛ تعلیم و تربیت باید بر معرفت ابعاد بدنی و روانی (عقلی، عاطفی و وجودانی) آدمی و قوای مادی و معنوی و نقاط ضعف و قوت وی مبتنی باشد و به ایمان با ارزش انسان در نظام آفرینش و اعتماد وسیع وی در این نظام وسیعی مستمر و مسئولانه در استفاده مشروع از این قوا منتهی شود.

ج- تعلیم و تربیت فرد در ارتباط با جامعه بشری؛ در مقام برقراری ارتباط معقول با جامعه، تعلیم و تربیت باید بر شناخت و تبیین ارزش‌های زندگی گروهی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن و ایجاد ایمان قلبی نسبت به این ارزش‌ها مبتنی باشد و افراد را در عمل هماهنگ با این علم و ایمان در جهت تشکیل خانواده و امت اسلامی و جامعه مطلوب سوق دهد.

د- تعلیم و تربیت فرد در ارتباط با عالم طبیعت؛ تعلیم و تربیت باید بر شناخت عالم طبیعت و کشف و درک قوانین حاکم بر آن و ایمان به هدفداری جهان مبتنی باشد و آدمی را اقتضای این علم و ایمان، در سعی مستمر و عمل صالح و بهره‌گیری فعال و متعادل و مشروع از منابع و مواهب و زیبایی‌های طبیعت و اقدام در حفظ و حراست آن و تحقق حیات طیب، تشویق و ترغیب و مساعدت کند (همان، صص ۴۸-۴۳).

در تربیت انسان فرهیخته دکتر شکوهی هدف‌های زیر به عنوان زمینه ساز تربیت بوده و در تربیت چنین فردی نقش بسزایی دارد. اولاً تعلیم و تربیت فرد باید در ارتباط با مبدأ آفرینش باشد یعنی ایمان واقعی به خدا را در روح فرد متجلی سازد و به قرآن و ائمه اطهار (علیه السلام) اعتقاد داشته باشد و از آن جایی که خداشناسی در اثر خودشناسی حاصل می‌شود تعلیم و تربیت فرد ابتدا باید در زمینه‌ی خودشناسی باشد. ارزش‌ها، معیارها، هنجارهایی که بر جوامع اسلامی حاکم است فرد را ملزم به رعایت این اصول و قوانین می‌کند، از طرف دیگر انسانی که در ارتباط با عالم طبیعت بتواند نظم و هماهنگی پدیده‌های نظام هستی را درک کند و پی به خالق هستی ببرد از تعلیم و تربیت خوبی برخوردار شده است.

مراحل تربیت

در منظومه فکری استاد شکوهی مراحل تربیت با توجه به مراحل رشد انسان و نوع نیاز انسان به سه دوره پرستاری، تأدیب و تعلیم تقسیم می‌شود و ایشان نقش مربی را در هر یک از مراحل سه‌گانه جهت رسیدن انسان به کمال نسبی ضروری می‌داند.

الف- مرحله پرستاری: او این مرحله را مهم‌تر از بقیه مراحل تربیت می‌داند. در اهمیت این دوره بیان می‌کند که نوزاد قبل از هر چیزی نیازمند پرستاری است که شرط ادامه حیات است. نوزاد آدمی از نوزاد هر حیوان دیگری زبون‌تر و در امر برآوردن نیازهایش ناتوان‌تر است. نیاز نوزاد به کمک دیگران و بزرگسال از دو جهت است: یکی ناتوانی و دیگری نادانی (شکوهی، ۱۳۸۰، ص ۳۴). دکتر شکوهی با توصیه به والدین و مربیان در مراقبت از جسم و روان کودک، از هر گونه شتابزدگی در تربیت در این مرحله را مورد نکوهش قرار می‌دهد.

ب- مرحله تأدیب: او دومین مرحله از مراحل تربیت را مرحله تأدیب نامگذاری کرده است. و بر این عقیده است که به نسبتی که کودک رشد می کند و اندک اندک توانایی ودانایی اش افزایش می یابد، بر احتمال زنده ماندنش افزوده می شود، ولی هم چنان به کمک و راهنمایی بزرگسالان محتاج است. هدف از تأدیب فراهم ساختن مقدمات سوق دادن آدمی به سوی هدف غائیش می باشد. شکوهی توصیه می کند که مریدان قبل از هر چیزی در این مرحله یک شناختی از کودک و طبیعت او داشته باشند و متناسب با آن به تربیت کودک اهتمام ورزند و نباید در این مرحله کودکان را کاملاً افرادی مطیع به بار آورد (همان، ص ۳۷).

ج- مرحله تعلیم: شکوهی سومین مرحله از مراحل تربیت را، تعلیم نامگذاری کرده است. او در این باره چنین بیان می کند که صورت مثبت تربیت «تعلیم» یا آموزش نامیده می شود و آن کوششی برای آشنا ساختن نسل جوان با نتایج تجربیات نسل های گذشته است (همان، ص ۴۱). او چنین اظهار می دارد که برای این که نسل جوان بتواند به موقع با آن قسمت از دانش ها، ارزش ها، مهارت ها و باورهای پیشینیان که نفع عام دارد و در کیفیت زندگی آدمیان از هر طبقه و صنفی مؤثر است آشنا شود و آنها را در مدتی معقول به حساب خود ارزیابی و تصویب واز آن خود کند، باید تدابیر مقتضی اتخاذ شود (همان، ص ۴۲). دکتر شکوهی آموزش همگانی و تعلیمات تخصصی را از ضروریات مرحله تعلیم بیان می کند و در این زمینه اتخاذ تدابیر و برنامه ریزی های لازم را حایز می داند. بنابراین انسان فرهیخته دکتر شکوهی ضمن طی کردن مراحل سه گانه تربیت؛ پرستاری، تأدیب و تعلیم او در جنبه های فردی و جمعی نیز دانش، ارزش ها، مهارت ها و ارزش های پیشینان را نیز کسب می کند.

شکوهی بر این عقیده است که هدف تعلیم و تربیت که رساندن انسان به هدف غایی است. رسیدن به این هدف یکباره حاصل نمی شود بلکه در هر دوره ی خاص روش های خاص تربیتی به کار گرفته می شود (شکوهی، ۱۳۸۳، صص ۱۳۲-۱۲۶). در نگاه شکوهی هدفدار بودن، رشد گرا بودن، مرحله ای بودن، تغییر پذیری بودن از ویژگی های تربیت است و موضوع تربیت درباره ی انسان است.

اصول تربیت

دکتر شکوهی (۱۳۶۰) معتقد است تعلیم و تربیت جریانی نیست که بتوان مهارت های مربوط بدان را یکباره فرار گرفت و در همه موارد به طور ماشینی اجرا کرد. هر یک از موقعیت های تربیتی باید جداگانه بررسی شود و به اقتضای شرایط هر موقعیت، تدابیر مناسب اتخاذ گردد. معذالک این بدان معنا نیست که تربیت بر قواعد و اصول شناخته شده ای مبتنی نباشد. اصول تعلیم و تربیت به تمامی مسلم و ثابت است. آنچه متغیر است، شرایطی است که باید ابتدا تجزیه و تحلیل، سپس اصول به اقتضای این شرایط در آن ها به کار بسته شود (ص ۳۰۸).

شکوهی (۱۳۸۰) در کتاب «مبانی و اصول آموزش و پرورش» برای تربیت انسان فرهیخته اصول ذیل را مورد توجه قرار داده است. به عقیده او این اصول کشف کردنی هستند نه وضع کردنی. اصول تعلیم و تربیت مریدان را به منزله ابزاری است که با استفاده از آن می توانند به موقع و در عین حال با روشن بینی کافی تصمیم بگیرند و وظایف تربیتی خود را به نحو رضایت بخشی انجام دهند.

الف- اصل فعالیت: بر اساس یافته های جدید زیست شناسی، روان شناسی و جامعه شناسی و پیشوایان مکتب عمل و تجربه انسان ذاتاً موجودی است فعال، که در جریان امور دخالت می کند تا دوام عمل خویش را تضمین نماید و تعادلی که بین او و محیط وجود داشته و به طور موقت بر هم خورده است را به حالت اولیه خودش برگرداند (همان، ص ۱۴۳). بر اساس این اصل ضمن این که اجازه می دهیم شاگرد متناسب با خواست و میل خویش حرکت نماید باید سعی نماییم در صورت نیاز زمینه و موقعیتی نیز برای وی جهت فعالیت تدارک ببینیم.

ب- اصل کمال: بر اساس این اصل اولاً توجه به مسائل فرهنگی و آینده شاگرد متولیان تربیت را بر آن می دارد که به تدریج آشنایی کودکان با ارزش ها را در دستور کار و برنامه خویش باید قرار دهند. ثانیاً از پیروی مطلق و بی چون چرای فعالیت های کودکان باید خودداری نمود و در نهایت این که باید از محدوده فعالیت های کودکان کاست.

ج- اصل آزادی: اصل حریت در این معنا است که فرد دارای توانمندی‌ها و استعدادهایی در وجود خود است و این از حقوق کودک است که آنها را بالفعل نماید. باید به او این اجازه داده شود که این استعدادها را شکوفا نماید.

د- اصل سندیت: آزاد گذاشتن شاگرد در بهره‌گیری از ابزارها و امکانات مدرسه برای او کافی نیست. بلکه باید در قالب برنامه‌ها و اهداف مدرسه عمل نمائید تا شایستگی ارتقاء به کلاس بالاتر را به دست آورد و از پس امتحانات و ... برآید. مطلوب اصل سندیت در این است که رغبت‌ها و امیال شاگردان به تنهایی مبنای عمل قرار نگیرد. بلکه توجه به اهداف و برنامه‌های مدرسه و گذر از آنها که در راستای رشد دادن شاگردان تنظیم شده‌اند نیز باید موردنظر باشند.

ه- اصل تناسب عمل وضع: منظور از این ارائه این اصل این است که آموزش و پرورش باید با رشد جسمانی و عاطفی، اخلاقی و اجتماعی حال و آینده کودک تناسب داشته باشد. بنابراین براساس این اصل آموزش باید با درجه رشد ذهنی دانش آموز متناسب باشد. آموزش باید به نحوی با احتیاجات اساسی و نیازهای واقعی کنونی کودک مربوط باشد و علائق اش را ارضا کند.

ح- اصل تفرّد: مطلوب این است که به رغبت‌های شاگردان توجه گردد. اما این توجه باید به گونه‌ای باشد که حیات جمعی را به خطر نیندازد. و این اتفاق موقعی می‌افتد که هر فرد بخواهد مطابق با میل و منافع فردی خویش عمل نمایند.

خ- اصل اجتماع: این اصل براین اساس مبتنی است که فرد به تنهایی قادر به ادامه حیات نیست و نتیجتاً اجتماع شکل می‌گیرد و در اجتماع نیز نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات مختلف مسؤول ایجاد نظم اجتماعی و بقاء حیات جمعی محسوب می‌گردند و موفقیت آنها در این است که افراد از آنها تبعیت نمایند و دستورالعمل‌های آنها مدنظر قراردهند (همان، صص ۲۰۵-۱۳۳).

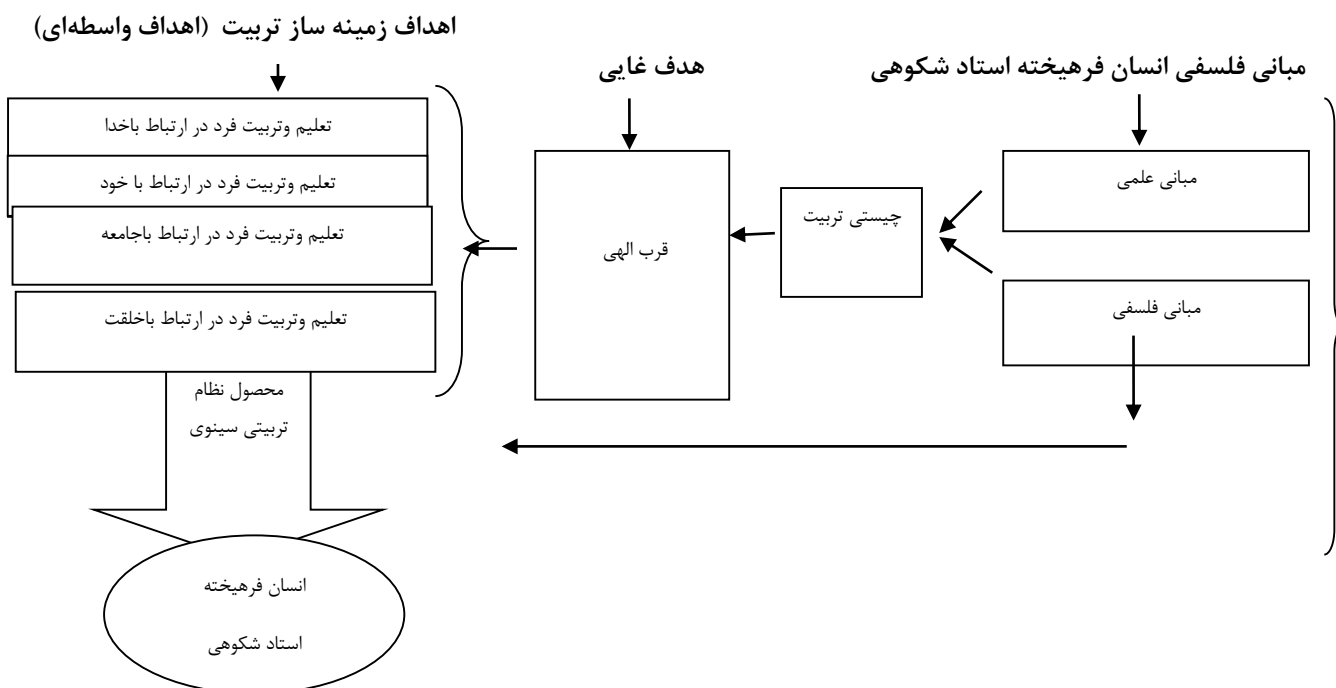
از نگاه دکتر شکوهی آشنایی مربی با اصول تعلیم و تربیت به عنوان مجموعه قواعد و ضوابط ضروری است. اگر یک مربی اصول هفتگانه ذکر شده را در عمل تربیتی مورد توجه قرار دهد این اصول عمل تربیتی را منظم می‌گرداند و سبب می‌شود که مربی به هدفش برسد و او را در چگونگی تربیت انسان کمک کند.

تبیین دیدگاه تربیتی استاد شکوهی

رویکرد تربیتی شکوهی آن گونه که از آثار و بیاناتش بر می‌آید، برخاسته از دومنبع بود: منبع نخست، ۱۸ سال تجربه معلمی برای کودکان و دانش نوین تعلیم و تربیت است که از نظریه پردازان اروپایی فراگرفته بود؛ و منبع دوم رویکرد غالب تعلیم و تربیت نوین است که در آثار شکوهی به صورت کودک محوری و روش فعال برجسته است و تمرکز موضوعی آثار، پژوهش‌ها و محتوای تدریس شکوهی را بر تربیت کودکان و آموزش به کودکان در دوره ابتدایی دربر می‌گیرد (ایروانی، ۱۳۹۹).

شکوهی به تنبیه اعتقاد نداشت و تنها تشویق و تأیید را توصیه می‌کرد: «اراده کودک نباید شکسته شود فقط باید به اقتضای موانعی طبیعی که احیاناً با آن برخورد می‌کند، انعطاف پذیر باشد» (کانت، شکوهی، ۱۳۶۸، ص ۳۶). او توصیه می‌کرد «اصلاح متربی را با تکیه بر خصوصیات مثبتش، حتی فقط یک خصوصیت بنا کنید و اگر نیافتید، آن را برایش بسازید» (شکوهی، ۱۳۷۱). وی نقش مادر و معلم را در تعلیم و تربیت کودکان بسیار مهم می‌دانست و معتقد بود: «مادران می‌توانند اعجاز کنند» (شکوهی، ۱۳۷۸، ص ۷۱) «معلمان کار خلقت را تمام می‌کنند» (همان). در هنگام آموزش دانشجو معلمان تا مرز سخت‌گیری، بر توانمندسازی همه جانبه آن‌ها، در دانش و مهارت‌های معلمی تأکید داشت (کرم‌دوست، ۱۳۹۵ و کیامنش، ۱۳۹۴، ص ۱۰۸). با این وجود، آنچه در تعاملش با دانشجویان در کلاس درس اجرا می‌کرد، خویش‌داری و مدارا، در عین جدیت و اقتدار و روش تدریس آمیخته از دانش نظری و تجربه‌های معلمی اش بود (دشتی و نقی‌زاده، ۱۳۹۴؛ نیستای، ۱۳۹۱). رویکرد تربیتی شکوهی عمل‌گرایانه بود و به خلق دانش از طریق عمل اعتقاد داشت (کیامنش، ۱۳۹۴، ص ۱۰۶). استاد شکوهی معتقد است که در تعلیم و تربیت آدمی نمی‌توان از روشها و راه حل‌های قالبی استفاده کرد و باصطلاح با «نسخه نویسی» به رفتار درمانی پرداخت. روش مناسب برای تعلیم و تربیت روش بالینی است. باید ضمن رعایت اصول کلی به اقتضای حال بیمار، «دوا» و مناسب تر است گفته

شود «غذا» تجویز کرد باید روش بالینی و درمان قضایی باشد (شکوهی، ۱۳۶۰، ص ۲۹۴). نمودار شماره (۱) چگونگی ارتباط میان مبانی تربیت، اهداف واسطه‌ای و هدف‌غایی را نشان می‌دهد.



نمودار شماره (۱): چگونگی ارتباط میان مبانی تربیت، اهداف واسطه‌ای و هدف‌غایی انسان فرهیخته استاد شکوهی

بررسی و تحلیل داده های نمودار شماره (۱) نشان می‌دهد که تربیت انسان فرهیخته استاد شکوهی مبتنی بر مبانی علمی و فلسفی بوده است. تربیت از منظر ایشان به عنوان تمهید مقدمات لازم برای رشد استعدادها و توانایی‌های فرد برای رسیدن به کمال مطلوب است. هدف‌غایی از تربیت انسان فرهیخته قرب‌الهی است. در تربیت انسان فرهیخته دکتر شکوهی اهداف زمینه ساز تربیت (اهداف واسطه‌ای) در ارتباط با خدا، خود، خلق و خلقت مورد توجه قرار گرفته است. و این اهداف به عنوان زمینه ساز تربیت بوده و در تربیت محصول نظام تربیتی نقش بسزایی دارند. تحلیل یافته ها نشان می‌دهد که استاد شکوهی، به انسان و ویژگی های کمال انسان توجه دارد و بسیاری از ویژگی های دینی و مذهبی در آثار او دیده می‌شود. این امر خود نشان دهنده شناخت کامل او از انسان است. انسان فرهیخته استاد شکوهی در اجتماع رشد می‌کند و انسانی معنویت گرا است.

بحث و نتیجه‌گیری

فهم ما از انسان فرهیخته از منظر دکتر شکوهی (چهره ماندگار تعلیم و تربیت) و متخصص تعلیم و تربیت (نخستین وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی) می‌تواند برای آگاهی ما از مقصدی که در انتظار ماست، برای پیمودن راه دستیابی به آن ضروری است. پس داشتن تصویر روشن از غایت تربیت انسان، ما را در تحصیل این هدف غایی مدد می‌رساند. تبیین دیدگاه شکوهی در باب انسان فرهیخته، با توجه به تجربه زیسته او (با ۱۴ سال تجربه معلمی)، شیوه و روش تدریس او، خصوصیات و برخورد او با متربیان، نحوه تعامل او با دانشجو معلمان می‌تواند دستاوردهای زیادی در پی داشته باشد و در ادامه مسر تعلیم و تربیت به متخصصان امر کمک کند. انتخاب موضوع های پژوهشی و تألیفات دکتر شکوهی با دو معیار در پیوند بود: نیاز جامعه علمی و اصالت منبع دانش. به عبارت دیگری نیاز محوری و اصالت منبع در آثار تألیفی و ترجمه ایشان برجسته است که موجب شده است، این آثار از کتاب های مرجع

واصول تعلیم و تربیت در ایران باشند. شکوهی علاوه بر احاطه بر مباحث علمی و فلسفی در آثار خود بهتر توانسته جهت و غایت تربیت را ارائه دهد. در میان متخصصان و اندیشمندان معاصر نیز، شکوهی با توجه به آثار به جا مانده از وی تصویر روشن و بهتر از سایر علمای تعلیم و تربیت از انسان فرهیخته انسان ارائه می دهد.

انسان فرهیخته شکوهی در چارچوب یا زمینه‌ای که در آن نظام فکری و فلسفی وی شکل گرفت، معنا می یابد. با توجه به بررسی دیدگاه شکوهی می توان چنین نتیجه گرفت که تربیت انسان فرهیخته امکان پذیر است و در این زمینه رشد مطلوب آدمی به کیفیت مراقبتی که مشمول آن واقع شده بستگی دارد. تعلیم و تربیت انسان مراتبی دارد که مراتب این تربیت حاصل تلاش سالیان متمادی است که به تدریج صورت می گیرد.

از نظر شکوهی تربیت انسان فرهیخته مستلزم مبانی تعلیم و تربیت (مبانی علمی و فلسفی) است. با توجه به مبانی تعلیم و تربیت او سه نوع تربیت؛ تربیت طبیعی، تربیت اجتماعی و تربیت انسانی را در تربیت انسان فرهیخته مورد ملاحظه قرار می دهد. از نظر استاد شکوهی مراحل تربیت انسان فرهیخته به ترتیب از مرحله پرستاری شروع سپس به مرحله تأدیب و آنگاه نوبت به تعلیم فرا می رسد. و او برای هر یک از این مراحل ویژگی ها و مختصات خاصی را در نظر می گیرد که در تربیت انسان فرهیخته باید مورد توجه قرار گیرد. انسان فرهیخته شکوهی ضمن طی کردن مراحل سه گانه تربیت؛ پرستاری، تأدیب و تعلیم، او در جنبه های فردی و جمعی نیز دانش، ارزش ها، مهارت ها و ارزش های پیشینان را نیز کسب می کند. او آموزش همگانی و تعلیمات تخصصی را از ضروریات مرحله تعلیم بیان می کند و در این زمینه اتخاذ تدابیر و برنامه ریزی های لازم را حایز می داند.

همچنین او در تربیت انسان فرهیخته اصولی مانند اصل فعالیت، کمال، حریت، سندیت و اصل تناسب عمل و وضع، اصل تفرد و اجتماع را ملاحظه قرار داده است که در هر موفقیت تربیتی رسیدن به هدف غائی را تضمین می کند. از نظر او جهت داشتن انسان تربیت شده متناسب با تراز جمهوری اسلامی ایران توجه به اصول تعلیم و تربیت هفت گانه ضروری است و با دانستن و عمل کردن به این اصول در نظام آموزشی به سمت خود شکوفایی فراگیران حرکت نموده و باعث تربیت انسان فرهیخته در نظام آموزشی خواهیم شد.

می توان چنین نتیجه گرفت که از نظر شکوهی امکان تربیت انسان فرهیخته در گرو اصولی شناخته شده ای است که آشنایی و رعایت آن ها موفقیت مربی را تضمین می کند و از احتمال شکست او می خواهد.

یافته ها نشان داد که هدف غائی تعلیم و تربیت از دیدگاه استاد شکوهی این است که مقدمات حرکت و هدایت آدمی را در صراط مستقیم پرستش پروردگار فراهم آورد در معراج او را به مرحله کمال انسانی تسهیل نماید به طوری که در سایه عمل صالح مراحل علم و ایمان را طی کند و خود را در هر لحظه به خداوند متعال که مقصد نهائی این سیر و سلوک است نزدیکتر سازد در این راستا هدف آموزش و پرورش همانا تربیت انسان فرهیخته ای مومن، متقی، مسئول، در رابطه با خالق، مفید و متعهد در رابطه با جامعه و متفکر و خلاق و مولد در رابطه با عالم طبیعت است.

مجموعه ای از آثار نگاشته شده توسط استاد شکوهی انسان فرهیخته اسلامی- ایرانی را به تصویر می کشد و ویژگی های انسانی مسلمان که در این برهه ی زمانی در مکانی مشخص به نام ایران زندگی می کند و دارای جغرافیای سیاسی، طبیعی، اقتصادی، انسانی و فرهنگی خاص است را ترسیم می کند.

با توجه به این که استاد شکوهی مربی- فیلسوف مسلمان و مؤثر بوده است و نظام آموزشی ایران نیز یک نظام تربیتی اسلامی است انتظار می رود یک انطباق و هم پوشانی کافی در تربیت انسان فرهیخته از منظر استاد شکوهی و سند تحول وجود داشته باشد. به کار گیری آراء تربیتی استاد شکوهی (مبانی، اهداف، اصول و روش های تربیتی) در نظام تربیتی کشور می تواند مکمل و تقویت کننده سند تحول باشد و مسیر ترقی و تعالی جامعه تعلیم و تربیت را فراهم کند. لذا پیشنهاد می گردد در بازنگری و اصلاح و ترمیم سند تحول به این امر توجه شود.

مشارکت نویسندگان

تمامی فعالیت‌های مربوط به مقاله توسط نویسنده مسئول انجام شده است

تشکر و قدردانی

از کلیه اعضای هیات تحریریه نشریه و داوران محترم تقدیر و تشکر می‌گردد.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

References

- A group of writers. (2008). Educational sciences: what they say and what they say. Tehran: Smt Publications. In Persian
- Ali Bakhshi, Radwan (2021) Amozesh Educational Sciences, Tehran, <https://civilica.com/doc/1457778>. In Persian
- Ayoubi, Zahra; Piran, Zahra; Shahraki, Fatima and Balochi, Maryam (2017). A study and comparison of the stages of adulthood, Dr. Shakouhi, with theories of Erikson and Piaget, in France, Millie Roykerdhai, Noon, Human Sciences in the 21st Century, in the Mediation of Danishgah Imam Sadiq. Barghazari location: Gilan-Rasht. In Persian
- Azerbaijani, Masoud (1996). A perfect human being in Islam and psychology, Journal of Hawzeh and Daneshgah. 9, pp. 6-21. In Persian
- Chateau and Degrain, (1976). Big mentors, translated by Gholam Hossein Shokouhi. Tehran University Publications, Tehran. In Persian
- Dabirkhana Shoray Ali Amuzesh and Parrush (2010). Document of conversion to the city of Amuzesh and Parrush . In Persian
- Dashti, Muhammad (2016b). Desire of teaching: The eloquence of life and nature of teaching of Dr. Gholamhossein Shakohi. Tehran: Danishgah Farhangian.
- Dashti, Muhammad and Naqizadeh, Muharram (2016) My teacher's review: A review of the land and views of the famous doctor of education and upbringing. Tehran: Publishing Mirrors . In Persian
- Hasani, Fatima; Ramadanian Ahwar, Fatima and Fatimi Rad, Azam (2016). Doctor Shokouhi and philosophers of education and upbringing, Domain of the International Conference on Educational Sciences and social problems. University Studies Iran, Tehran. In Persian
- Hurst, Pl. and White, Patricia (2006). Philosophy of education. main topics in analysis science. Chosen, developed and Translated by Bakhtiar Shabani. In Persian
- Irani, Shaheen. (2020). Shakohi, Gholam Hossein. Danshnameh Philosophy of Education and Education 1-2, (2)2. In Persian
- Kant, Emanuel (1847), Ideas in education, translated by Dr. Gholamhossein Shikohi, Daneshgah Publications, Tehran. In Persian
- Kant, Immanuel (1989). Education and upbringing, translated by Gholam Hossein Shakohi. Tehran: Tehran University Publications . In Persian
- Karamdoost, Nouruzali (2016). Interview with Muhammad documented in desire in teaching, 1395b, Tehran: Marwat Publishing, pp. 181-197. In Persian
- Khazaeifar, Sayyid Mahdi; Vatanparast, Abul-Fadl and Khaki, Hashim (2013). An analytical study of works and opinions of Dr. Gholam Hossein Shakouhi and Barsi, an inscription on the Iranian education and upbringing system, the domain of the Iranian religious conference, educational sciences and lifestyle, Mashhad. In Persian
- Kiyamanesh, Alireza (2013). Interview with Ba Muhammad documented in desire in teaching, 1395b, Tehran: Marwat Publishing, pp. 102-110. In Persian

- Lajordi, Manasadat; Mobdi, Fatima and Ahmadabadi Arani, Najma (2020). Analysis and criticism of educational theories of Dr. Gholam Hossein Shokouhi. Third international Conference on consultation, education and upbringing, Mashhad. [In Persian]
- Marashi, Sayyed Mansour; Loy, Parwanah and Dinarvand, Ridwan (2010). A cultured person as the goal of liberal education and its role in higher education. MA thesis. Faculty of educational sciences. Shahid Chamran Ahvaz. [In Persian]
- Mirzamohammadi, Mohammad Hassan; Zibakalam, Fatima, and Sahbatlou, Ali. (2010). The theory of freedom and the theory of free education. Shahed University publications. Tehran. [In Persian]
- Naistani, Muhammad Reza (2010). A class on the subject of sex; I learnt lessons from professor Gholam Hossein Shokouhi. Isfahan: Amokhta Publishing. [In Persian]
- Nami, Shamsi (2003). A summary of Richard Estill Peters's philosophy, concept and goal of education and upbringing, the human being of its origins, and an analysis of the goals of all Islamic education and upbringing. Doctoral dissertation, University of Tehran, faculty of Educational Sciences and psychology. [In Persian]
- Nejati Mousavi, Seyed Hossein; Cheragian, Jaafar; Abdel-Khani, Ali and Hamadi, Hamid. (2013). Roles of philosophy and methods of raising a poor human being from the perspective of modern education, Domain of the International Conference on Education and Educational Sciences, Shadgan, <https://civilica.com/doc/463207> . [In Persian]
- Norouzi, Marzieh, Qaderi, Fatima, and Abdolnezhad, Mojgan. (2013). Objectives of education and upbringing according to the teachings of Dr. Gholam hossein Shokouhi. Amoukhteh Publications. [In Persian]
- Nosrati Hashi, Kamal; Norouzi, Reza Ali and co-writers. (2012). The goals of education in Avicenna. Dovsname Ilmi va Pezohshi Hekmat Si Novi (The Problem of Light), published in 1816, pp. 115-128. [In Persian]
- Peters, R.S. (1977). Ethics and Education Great Britain London: Unwin Brothers Limited.
- Peters, R.S. (1973). Philosophy of Education: The Justification of Education. London: Routledge and Kegan Paul.
- Pirouti Agdam, Masoud and Nazri Roudbali, Fatima. (2024). Examination of the concept of "human being" based on the view of Johann Gottfried Herder and its implications in the context of teacher education. Theory and practice of teacher education. 10(17), 75-56. doi: 10.48310/itt.2023.3022. [In Persian]
- Rahnama, Akbar (2004). Desirable human beings in Islam from an educational point of view. Quarterly of Islamic Education, No. 1, pp. 109-124. [In Persian]
- Shikohi, Gholam Hossein (1988). The origins and principles of Amuzesh and Perorsh. Mashhad: Chap Foundation and Distribution Astan Quds Razavi. [In Persian]
- Shikohi, Gholam Hossein. (2004). Education, upbringing, and stages. The scene of publications has publication. [In Persian]
- Shokouhi, Gholam Hossein (2001). Buildings and origins of Amuzesh and Perorsh. The scene of publications has publication. 8. Shikohi, Gholamhossein. (1360). Raising a teacher and current issues. Deberkhaneh Shorayali Amozesh and Prosh . [In Persian]
- Shushtari, Akram (2012). An applied comparison of the nature of this amazing human being according to the words of Richard Stanley Peters and Allama Muhammad Taqi Jaafari, the first scientific marginalia of educational and cultural sciences in this meeting. And Farhangi Iran, Tehran, <https://civilica.com/doc/366519>. [In Persian]
- Sohbatlo, Ali (2022). Criticism and comparison of the cultured human being in reform document according to the view of Ibn Sina. Scientific chapter - Education and upbringing. 39 (2): 227-250. [In Persian]
- Sohbatlou, Ali; Ahanchiyan Mohammadreza; Shabani Warki; Bakhtiar and Sadiqzadeh Qamsari, Alireza (2018). A cultured Sinwi human being. Scientific chapter - Education and upbringing. 34 (4): 81-108. [In Persian]
- Taqi Pourzahir, Ali. (2008). Origins and principles of education. Tehran: Payam Nour Publications. [In Persian]

- Zibakalam, Fatima (2009). The Philosophy of Educational Sciences and viewpoints of Jean-Henri Newman, Journal of Educational Sciences and Romantics, Tehran. Sal 5, no. 2, pp. 161-181. [In Persian]
- Zibakalam, Fatima (2003). Philosophical Bureau of Liberalism, Islam and Islam. Publications of the Amuzshi and Pzühshi community Tafresh. [In Persian]